عملكرد سازمان ملل متحد در قلمرو حقوق زنان (4)

احمد رضا توحيدى‏

عملكرد سازمان ملل

فصل دوم:

كنفرانس هاى سازمان ملل در تدوين و توسعه حقوق زنان

1- كنفرانس حقوق بشر 1968 تهران

در اين كنفرانس 29 قطع نامه درباره مسائل مختلف مربوط به حقوق بشر تصويب شد كه يمى از اين قطع نامه ها به نام «برنامه بلند مدت براى پيشرفت زنان» توسط دبير كل پيشنهاد شد كه مورد قتول و تصويب كنفرانس قرار گرفت و در كن تأكيد شده است با وجود اسناد بين المللى، تبعيضهاى بسيارى عليه زنان در زمينه هاى سياسى، حقوقى، اقتصادى، اجتماعى، آموزشى و غيره مشهود است و تصريح شده كه هر گونه پيشرفت و تحول در وضعيت زنان منوط به ايجاد تغييرات مهم در طرز تلقى ها و عرف هاى سنتى و قوانين مبتنى بر عقيده و مرام «پست امگارى» زنان است و در اين زمينه بر آموزش و توسعه و گسترش كمكهاى فنى به زنان در كشورهاى در حال توسعه از طريق همكارى بين المللى و با حمايب سازمان ملل متحد تأكيد شده است.(1)

2- كنفرانس حقوق بشر 1993 وين

اين كنفرانس با شركت بى سابقه نمايندگان كشورها و سازمان هاى مختلف به منظور ارزيابى پيشرفت هاى ايجاد شده در مورد حقوق بشر از زمان تصويب اعلاميه جهانى حقوق بشر در سال 1948 و تعيين موانع و عرضه راه كارهاى غلبه بر آنها برگزار شد (2)

كنفرانس وين تأكيد مجددى بر حقوق مدنى و سياسى، اقتصادى، اجتماعى و فرهنگى همچون: حقوق كودكان، زنان، اقليت هاى دينى و آزادى عقيده داشت.

علاوه بر تأكيد فراوان بر حيثيت و شرف انسانى زنان در بندهاى مختلف اعلاميه كنفرانس، قسمت دوم كنفرانس از بند 36 تا 44 اختصاص به حقوق زنان دارد.

برخوردارى و بهره‏مندى مساوى زنان از همه حقوق بشر به عنوان يك اولويت و تقدم براى همه دولت‏ها و سازمان ملل متحد مورد توجه قرار گرفته و بر اهميت هماهنگى و مشاركت كامل زنان در فرايند توسعه و هم‏چنين بر اهداف و مقاصد مندرج در اعلاميه ريو تأكيد شده است.(3)

نتيجه اين كنفرانس، تصويب بيانيه وين و برنامه عمل مى‏باشد كه متضمن مقررات مهمى در حيطه حقوق بشرى زنان است.در مقدمه بيانيه وين، درباره اشكال مختلف تبعيض و خشونت كه زنان در سراسر جهان، با آن روبه‏رو هستند، ابراز نگرانى عميقى شده و در بخش اول آن آمده است:

«حقوق بشرى زنان و كودك دختران، بخشى ذاتى، غير قابل انتقال تفكيك ناپذير از حقوق جهانى بشر است.شركت كامل و برابر زنان در مسائل سياسى، مدنى، اقتصادى، اجتماعى و فرهنگى، در سطح ملى، منطقه‏اى و جهانى و از بين بردن تمام اشكال تبعيض به دليل جنس،هدق والاى جامعه جهانى است. خشونت هاى به دليل جنسيت و تمام اشكال آزار رسانى جنسى و استثمار، از جمله آنان كه نتيجه پيش داورى هاى فرهنگى و ارتباطات بين‏المللى هستند، با شأن و ارزش فرد انسان ناسازگار مى‏باشند و بايد زدوده شوند. اين مى‏تواند توسط اقدامات قانونى و فعاليت هاى ملى و همكارى جهانى در زمينه‏هايى مانند پيشرفتهاى اقتصادى، اجتماعى، تعليمات، زايمان امن، مراقبت‏هاى بهداشتى و حمايت‏هاى اجتماعى كسب شود.

حقوق بشرى زنان، بايد يك بخش اساسى از فعاليت هاى حقوق بشرى سازمان ملل متحد، از جمله پيشبرد تمام اسناد حقوق بشرى مرتوط به زنان باشد. كنفرانس جهانى حقوق بشر از دولت‏ها، مؤسسات، سازمان‏هاى بين الدولى و سازمان‏هاى غير دولتى، درخواست مى‏كند تا كوشش‏هاى خود را در حفظ و پيشبرد حقوق بشرى زنان و دختران،شدت بخشند.»(4)

3-سال بين المللى زن و اولين كنفرانس جهانى زن

كميسيون مقام زن در سال 1972 به شوراى اقتصادى - اجتماعى و مجمع عمومى توصيه كرد كه سال 1975 به عنوان «سال بين المللى زن»(5) نام گذارى شود و متعاقب آن مجمع عمومى ملل متحد در سال 1972 در قطع نامه‏اى تصميمى گرفت كه سال 1975 به عنوان سال بين‏المللى زن نامگذارى شود. لذا مجمع عمومى از همه دولت‏هاى عضو و سازمان‏هاى ذذى نفع دعوت نمود كه شناسايى كامل حقوق زنان و پيشرفت آن‏ها را تضمين نمايند و از دبير كل هم تهيه پيش نويس قطع نامه‏اى را براى برگزارى سال بين المللى زن درخواست كرد.

در ادامه شوراى اقتصاد اجتماعى در 16 مه 1974 براساس قطع نامهLVI 1851)(از دبير كل درخواست نمود كه اولين كنفرانس جهانى زنان در سال 1957 برگزار شود.با تعيين 8 مارس 1975 به عنوان «روز بين المللى زن» گام اصلى و رسمى در اين‏باره برداشته شد و سه ماه بعد، اولين كنفرانس جهانى زنان در 19 ژوئن 1975 رسماً كار خود را آغاز نمود كه تا 2 جولاى همان سال ادامه داشت. در روز آغازين كنفرانس، خانم هلوى سيپلا(6) (فنلاند) دبير كل اعلام كرد كنفرانس گام اصلى و و مرحله اساسى تلاش براى نيل و دست ياتى به برابرى بين زنان و مردان و به منظور پايان دادن به تبعيض جنسى در همه عرصه‏هاى زندگى است. در اين كنفرانس، نمايندگان 133 كشور شركت كردند كه 113 هيئت نمايندگى به رياست زنان شركت كرده بودند و 73% شركت كنندگان در سطح نمايندگى را زنان بشكيل مى‏دادند هم چنين نمايندچانى از نهادهاى وابسته به ملل متحد، شش نهضت آزادى بخش، كميسيون حقوق بشر، 114 سازمان غير دولتى و ... شركت كرده بودند. حاصل كار كنفرانس «اعلاميه مكزيكو درباره تساوى زنان و سهم آنان در صلح و توسعه»(7)و «طرح اقدام جهانى»(8) به همراه 35 قطع نامه در چارچوب سه موضوع اصلى كنفرانس، يعنى تساوى، توسعه و صلح بود.

اعلاميه مكزيكو به خصوص بر سهم ارزنده و مهمى كه زنان در دستيابى به حفظ و تحكيم صلح بين المللى داشته‏اند، تأكيد مى‏كند و اعلام مى نمايد كه: «زنان بايد برابر با مردان در تصميم گيرى‏هاى سازنده و فرايندهايى كه به ارتقاء و تحكيم صلح در هر سطحى كمك مى‏نمايد، مشاركت فعال داشته باشند».(9)

كنفرانس از ملل متحد خواست كه دوره اى را از 1976 تا 1985 به عنوان « دهه ملل متحد براى زنان » اعلام نمايد و پيشنهاد نمود كه دومين كنفرانس جهانى زنان در 1980 برگزار گردد.(10)

4- دهه ملل متحد براى زنان و كنفرانس‏هاى كپنهاگ و نايروبى

مجمع عمومى در دسامبر 1975 توصيه كنفرانس مكزيكو درباره تعيين دهه ملل متحد براى زنان(11) راتأييد كرد و با تصويب قطعنامه شماره 0253)xxx( يك دوره؟ ده ساله از 1976 تا 1985 را به عنوان دهه ملل متحد براى زنان تعيين نمود. آن چه بيش از هر چيز ديگرى به چشم ميآيد، افزايش فعاليت‏ها در برگزارى دو كنفرانس مهم كپنهاگ و نايروبى و تهييه و تصويب كنوانسيون 1979 در زمينه رفع همه اَشكال تبعيض عليه زنان بود.

اين دهه همان اهداف كنفرانس مكزيكو، يعنى تساوى، توسعه و برابرى را مورد نظر قرار داد و فرصتى بود تا: اولاً سازمان ملل متحد نوعى تحول و تغيير اساسى را در جهت شناسايى حقوق زنان در سطح بين‏المللى در خود ايجاد نمايد و دوم آن كه سازمان‏هاى غير دولتى نرتبط با حقوق زنان در اى دهه به طور شگفت انگيزى رشد و توسعه يافتند و دست به ابتكارات فراواى درباره بررسى و تحقيق و عرضه آمارهاى مختلف در زمينه‏هاى گوناگون زندگى زنان در سراسر جهان پرداختند و در اين مسير هر چه بيش‏تر توجه جامعه جهانى را به وضعيت زنان جلب نمودند.

چنان كه تعداد شركت كنندگان و نمايندگان وابسته به سازمان‏هاى دولتى كه در كنفرانس مكزيكو به رقم 6000 ميرسيد، در كنفرانس نايروبى، يعنى سومين كنفرانس جهانى زنان به 15000 نفر رسيد.(12)

الف) كنفرانس كپنهاك 1980

دومين كنفرانس جهانى زنان از 14 تا 30 جولاى 1980 در شهر كپنهاك دانمارك برگزار شد و در آن يك برنامه اقدام براى نيمه دوم دهه ملل متحد تنظيم شد و علاوه بر آن به بررسى و ارزيابى پيشرفت‏هاى ايجاد شده و موانع موجود در راه نيل به اهداف دهه و كنفرانس مكزيكو پرداخته شد كه در اين راستا 48 قطع نامه به تصويب رسيد.در اين كنفرانس 145 دولت و بيش از 2000 نماينده مختلف شركت كردند بسيارى از نمايندگان سازمان‏هاى دولتى و غيردولتى در كنفرانس حاضر شدند. آن‏ها خواستار بهبود وضع اشتغال، بهداشت و آموزش زنان بودند. خانم لوسيل مير(13) (جامائيكا) دبير كل اين كنفرانس توده است.(14)

ب) كنفرانس نايروبى و استراتژى‏هاى آينده‏نگر آن 1985 (15) سومين كنفرانس جهانى زن از 15 تا 26 جولاى 1985 به دبير كلى خانم لتيشاهانى(15) (فيليپين) و با حضور گسترده دولت ها، سازمان ها و ديگر نهادهاى ذيربط در شهر نايروبى كنيا بركوار شد. اين كنفرانس در پايان دهه ملل متحد براى زنان و با مضمون «اعتلاى زنان تا سال 2000» به منظور بررسى و ارزيابى دست آوردهاى دهه درباره هدفهاى سه گانه « تساوى، توسعه و صلح » و ايجاد معيارها و استانداردهاى واقعى و عملى باى غلبه بر موانع، جهت دست يابى به اهداف فوق برگزار گرديد.(17) بررسى و ارزيابى پيشرفت‏هاى به دست آمده، در روند اجراى «طرح اقدام جهانى، مصوب كنفرانس مكزيكو» و « برنامه اجرايى مصوب كنفرانس كپنهاگ » از ديگر اهداف اين كنفرانس بود كه مجموع بررسى‏ها و ارزيابى فوق به اتخاذ « استراتژى آينده نگر براى پيشرفت زنان » منجر شد كه ميبايست در فاصله زمانى بين سال هاى 1986 تا سال 2000 اجرا مى‏شد.(18)

نتيجه آن كه، درست است كه همه آن چه در استراتژى ذكر شده و به عنوان «مجموعه حقوق زنان وتكاليف ديگران و خود زنان به عنوان انسان است اما خلأمهم حاكم براين همه تلاش وفعاليت،عدم الولويت بندى حقوقى است كه زنان بايد كه بايدازآن هابرخوردار باشند.درجهانى كه حتى در كشورهاى متمدن آن و در آستانه هزاره سوم (1995)ميزان دست مزد غير كشاورزى زنان مردان است و فقط 12% كرسى هاى پارلمان به زنان تعلق دارد و سالانه 130000 تجاوز به عنف به گروه سنى 15 تا 59 سال گزارش مى‏شود»(19) و در كشورهاى جنوب،گرسنگى، قاچاق زن، فحشاى زنان و بخصوص دختران خردسال، ايدز و صدها نابسامانى ديگر گريبان‏گير زنان است، صحبت از مشاركت زنان در استفاده صلح جويانه از فضاى ماوراى جو، چه قدر بى‏تناسب است؟!

شايد اين خود به گونه‏اى تبعيض‏آميز تلقى گردد،اما پر واضح است كه بحث برانكار يا اصرار بر انسانيت زن نيست، بلكه بحث بر سر واقيعياتى است كه جامعه بين المللى را فرا گرفته و با وجود آغاز، تسريع و ايجاد نوعى ثبات در جنبش‏هاى مختلف مربوط به حقوق زنان و تدوين و نهادينه كردن حقوق آنها، زنان هنوز هم در مرحله‏اى قرار دارند كه حياتى‏ترين حقوق شان مورد نقض و تجاوز قرار دارند كه حياتى‏ترين حقوقشان مورد نقص و تجاوز قرار ميگيرد و جو حاكم چنان است كه نخست بايد به زير ساخت‏ها و بنيادهاى اصلى حقوق زنان پرداخته شود، سپس با آرامش خيال، از استوارى گام‏هاى برداشته شده و از دريچه اطمينان و اعتماد به استوارى گام‏هاى برداشته شده و از دريچه صرف تشكيل كنفرانس‏ها و تدوين و تنظيم هزاران بند درباره جزئيات دست نيافتنى و ناسازگار با امكانات و اوضاع اجتماعى و به حصوص ناسازگار با درك جوامع از سهم سازنده زنان در اجتماع، در فضاى سرشار از احساسات و ذوق زنانه كنفرانس‏هاى مربوط به آن، نمى‏تواند حتى تضمين كننده حقوق اوليه آنان باشد أ مگر اين كه بر آن باشيم آن قدرر بر ميزان حداكثرها و جزئيات بيفزائيم و جزئيات را در قالب ماده تبصره بگنجانيم كه جامعه بين المللى به حداقل‏ها تن دهد كه اين امر هم اگر بى نهايت جدى باشد، باز تنها به يك مزاح شبيه است، زيرا حتى هنوز هم به خصوص لحن كنفرانس‏ها در مورد تضمين حقوق زنان سرشار از «التماس» است. حال آيا بهتر نيست به جاى زدودن اخلاق و دين از جوامع، به تقويت صحيح آن بيانديشيم ؟

5- كنفرانس پكن 1995 (چهارمين كنفرانس جهانى زن)

در سال 1992 كميسيون مقام زن در قطعنامه شماره 63/8 پيشنهاد دولت چين را براى برگزارى كنفرانس در پكن قبول كرد و ايجاد مقدمات لازم در يك دوره سه ساله، سرانجام چهارمين كنفرانس جهان زن از 4 تا 15 سپتامبر 1995 (13 - 24 شهريور 1374) در پكن، پايتخت چين، برگزار شد.

در اين كنفرانس گسترده كه در پنجاهمين سالگرد تاسيس سازمان ملل متحد برگزار شد، بيش از 17000 شركت كننده، شامل نمايندگان 189 كشور جهان (بااحتساب دولت فلسطين) و ظاهرا" تنها دولت عربستان سعودى حضور نداشت. از جمهورى اسلامى ايران نيز، هيئت دولتى بالغ بر 40 نفر از سازمان‏هاى غير دولتى شركت داشتند.(20)

بالغ بر 1026 سازمان غير دولتى كه از شوراى اقتصادى اجتماعى سازمان ملل، اعتبارنامه داشتند)Accredited( و يا كد مخصوص داشتند، در كنفرانس حاضر بودند.(21) خانم گرارود مونگلا(22)م (تانزانيا) دبير كلى اين كنفرانس رابر عهده داشت.قبل از برگزارى كنفرانس، پنج اجلاس منطقه‏اى توسط كميسيون مقام زن در كشورهاى اندونزى، آرژانتين، اتريش،اردن و سنگال برگزار شد تا محورهاى اصلى مورد بحث در كنفرانس راتعيين نموده، عرضه كنند. محورهاى عرضه شده از طرف اين اجلاس منطقه‏اى نشات گرفته از نيازها و فرهنگهاى خاص ه رمنطقه بود و به اسن طريق، طيف وسيعى از مسائل مورد بحث به دبير خانه كنفرانس عرضه شد.

حاصل كار كنفرانس، تصويب اعلاميه كنفرانس و «كار پايه عمل يا زمينه براى اقدام»بود و علاوه بر آنها برگزارى كنفرانسى آن چنان گسترده و عظيم و شركت گسترده دولت‏ها و ديگر نهادهاى بين المللى و افراد، نشان دهنده توجه خاص جامعه بين المللى به وضعيت زنان و بيانگر و فاق عام و همبستگى گسترده در جهت ارج نهادن به منزلت زن است.

اعلاميه پكن: در اين اعلاميه، دولتهاى شركت كننده در كنفرانس، عزم راسخ خود را به پيشبرد و ارتقاء سه هدف تساوى، توسعه و صلح برا يعمومزنانجهان و به سووود كل جامعه بشرى اعلام نموداند و در اين زمينه بر تعهدات خود بدين شرح تاكيد كردند:

- اصل تساوى بين زن و مرد كه در اسناد بين المللى همچون منشور ملل متحد، اعلاميه جهانى حقوق بشر، ميثاقين، اعلاميه رفع تبعيض، كنواسيون 1979، كنواسيون ححقوق كودك، اعلاميه حق بر توسعه و... آمده است؛

- تضمين اجراى كامل حقوق بشر مربوط به زنان و كودكان دختر؛

- مبنا قرار دادن وفاق و پيشرفتى كه در ديگر كنفرانسها در جهت نيل به اهداف تعيين شده،بدست آمده است،

- توانمند سازى و ارتقاء منزلت زنان، از جمله حصوف حق آزادى انديشه، وجدان، دين و عقيده و كمك به رفع نيازهاى مختلف آن‏ها.

اعلاميه بر اين امر تأكيد مى‏كند كه حقوق زنان حقوق بشر است و لذا براى دسترسى زنان در همه عرصه‏هاى زندگى بر اصل برابرى تأكيد مى‏كند.

كار پايه عمل كنفرانس پكن(23)

اين سند شامل شش بخش است كه در 361 بند به طور مشروح و مفصل آمده است. بخش اول درباره بيان «مقاصد و اهداف» كنفرانس است كه در بندهاى پنجگانه خود به تفصيل، به مقاصد كنفرانس مى‏پردازد و در بند نخست، كار پايه را دستور كارى براى توانمند سازى زنان و تسريع اجراى راه كارهاى نايروبى و حذف همه موانع مشاركت زنان مى‏داند.

بخش دوم به «چارچوب جهانى» مسئله پرداخته است و نقاط مشترك و اختلاف‏هاى موجود را درباره زنان بررسى كرده است.

در بخش سوم به «موضوعات و مسائل مهم مايه نگرانى» توجه شده و به حوزه‏هاى مختلفى كه در آن‏ها زنان آسيب پذيرى بيش‏ترى دارند، پرداخته است.

در بخش چهارم كه در واقع بدنه اصلى سند كنفرانس است و 240 ماده را به خود اختصاص داده، تحت عنوان «اهداف راه بردى و اقدامات»، به مسائل گوناگونى توجه كرده است.

در بخش پنجم كار پايه، از مجمع عمومى، شوراى اقتصادى - اجتماعى، كميسيون مقام زن، كميته رفع تبعيض از زنان، دبيرخانه ملل متحد، بخش پيشرفت زنان، مؤسسه بين المللى براى پژوهش و آموزش زنان و صندوق توسعه ملل متحد براى زنان و ديگر نهادهاى مربوط به آن مى‏خواهد تا براى اجراى كار پايه، همه در حيطه كارى خود به عرضه راه كارها و بسترهاى مناسب اجراى كار پايه، همه در حيطه كارى خود به عرضه راه كارها و بستراى مناسب اجرايى بپردازند و به خصوص در روند اجراى كار پايه به طور هماهنگ و منسجم با هم همكارى نمايند.(24) و در بخش ششم به راه‏هاى تأمين بودجه و عرضه تسهيلات و امكانات مناسب براى اجراى كار پايه توجه شده و در سطوح ملى، منطقه‏اى و بين المللى به مسئله پرداخته است و از جمله پيشنهاد نموده است كه دولت‏ها با رعايت مقتضيات و ضرورت‏هاى امنيت ملى و تا سر حد امكان، از بودجه نظامى براى تسهيل اجراى سند كنفرانس بكاهند.

ارزيابى كلى كنفرانس‏

شايد چنين برداشت شود كه اهداف مطرح شده در سند كنفرانس، به خاطر عقب ماندگى شديد زنان و نابسامانى‏هاى فراوانى كه گريبان گير آنان است، آمانگرايانه و بلند پروازانه به نظر مى‏آيد؛ اما واقعيت اين است كه در بسيارى موارد «افراط گرى‏هاى بسيارى شده است و به نظر مى‏رسد بعضى‏ها خواسته‏اند آن چنان چهار نعل، شتابان به قله تساوى بتازند و عقب ماندگى چند هزار ساله را جبران كنند كه بيم آن مى‏رود از سوى ديگر سقوط كنند.»(25)

اشكال عمده و تأمل برانگيز موجود در سند كنفرانس، كم توجهى به خانواده و نقشى است كه زن در خانواده و تأمين آرامش اين واحد بنيادين جامعه و تربيت فرزندان دارد؛ زيرا در اين سند بر لزوم مشاركت زنان در همه مناصب و مشاغل اجتماعى و مراكز تصميم‏گيرى، هم دوش و هم پاس مردان و فراهم آوردن همه نوع امكانات و تسهيلات براى نيل به اين منظور به خاطر دست يابى به توسعه و صلح تأكيد شده است، ولى به وظيفه و كار مهمى كه زن به عنوان خانه دار يا شغلى كه قسمتى از اوقاتش را صرف اداى وظيفه در درون خانه و خانواده و حضانت اطفال مى‏كند و به طور غير محسوس و غير مستقيم تأثير بسيارى در سلامت و رشد و توسعه دارد، بهاى لازم داده نشده است.(26)

بنابراين، در كنار تأكيد بر مشاركت زنان در عرصه جامعه، هيچ گاه نبايد نقش مثبت و فوق العاده حياتى آن‏ها در خانواده ناديده گرفته شود و با تشويق زنان به فعاليت‏هاى خارج از خانواده و سپردن كودكان به مراكز مختلف نگهدارى، «محيط خانه را تبديل به خوابگاهى كرد كه ديگر خانواده كار كردهاى خود را از دست بدهد».(27)

در اين باره بايد به فعاليت زنان در درون خانواده ارج نهاد و حتى به ارزش اقتصادى كار آن‏ها در منزل بها داد و آن را به حساب آورد (امرى كه كمتر در محاسبه اقتصادى به حساب مى‏آيد) تا زنان به عنوان مدير و تدبير گران منزل، جايگاه واقعى خود را بيابند.

درباره ارزش حقوقى كار پايه بايد گفت كه در سراسر سند و بندهاى مختلف آن بر تعهدات مندرج در كار پايه تأكيد فراوان شده است و به خصوص در سه سطح ملى، منطقه‏اى و بين المللى بر تعهدات مندرج در كار پايه و لزوم اجراى آن‏ها تأكيد شده است. با همه تأكيدى كه بر تعهدات مربوط به اجراى كار پايه عمل در خود سند و اظهارات مختلف همچون: نطق دبير كل ملل متحد، نطق دبير كل كنفرانس و غيره شده است، كار پايه عمل به صورت اجماع (consensus) به تصويب رسيد و رأى‏گيرى انجام نشد و فرض كلى بر تفاهم عمومى دولت در مورد بندهاى كار پايه عمل نهاده شد. بنابراين «با همه تأكيدى كه بر روى الزام و تعهد به اجراى كار پايه عمل شده، سند كنفرانس از لحاظ حقوقى الزام آور نيست؛ زيرا دولت‏ها تحت عنوان كنوانسيون و قرار داد بين المللى آن را امضاء نكرده و به تصويب مراجع صالح قانون گذارى خود نرسانده‏اند و در واقع، نوعى تفاهم مشترك دولت‏ها در قالب اين سند در زمينه حقوق زنان اعلام شده است كه عرفاً و اخلاقاً دولت‏هاى شركت كننده و در واقع تصويب كننده اين سند بايد در مقام اجراى آن برآيند، مگر مواردى كه ملاحظات (و تحفظات) خود را بر آن اعلام داشته‏اند». به هر حال با آن كه ارزش حقوقى كار پايه را تنها در حد يك اعلاميه و اعلام مواضع مى‏توان در نظر گرفت و نه يك سند حقوقى الزام آور، با اين حال گستردگى كنفرانس و حجم وسيع شركت كنندگان در آن از يك طرف و پرداختن به مسائل گسترده مورد نظر و خواست زنان و تدوين و تنظيم دقيق آن در يك سند نهايى با تبليغات شديدى كه بر روى آن انجام شده، از طرف ديگر ارزش اعتبار كار پايه را بالا مى‏برد و اثر روانى خود را بر جوامع و مراجع بين المللى مى‏گذارد و همواره در مراجع جهانى به آن استناد مى‏شود؛ و هم چنان كه به مواد اعلاميه جهانى حقوق بشر وين به مناسبت‏هاى مختلف استناد مى‏شود و توجه دولت‏ها به رعايت اصول مندرج در آن‏ها جلب مى‏گردد و دولت‏هاى ناقض آن‏ها مختلف و ناقض حقوق بشر محسوب مى‏شوند. به هر حال همين امر و وجود همين فضا، خود به عنوان عامل فشارى است كه دولت‏ها را به سمت احترام گذاشتن به توافقى كه در قالب بندهاى اين سند شده و اجراى آن‏ها سوق مى‏دهد.

پى نوشت:

1) the United Natios and the advacemant of women, 1945\_1996,p.31.

2) Bassic facts about the United Natios,op.cit,p.229.

3) World conference on Human Rights; the vienna Declatation and progrom of Action, 3991, UN.DPI p.p 53-57.

4) The World conference on Human Rights, The Vienna Declaraion and Programme of Action, gune 3991/DPI. Part. I,Para. 81-

5) International womens year.

6) Helvi sipila.

7) Declaration of mexico on the Equality of women and their conrtibution to development and pace, 1975.

8) The world plan of Action.

9) The United Nation and the advancement of women, 1945\_1996,p.35.

10) The United Nation s and the advancement of women, 1984,p. 183.

11) United Nations decade for women: Equlity-Development and peace (1976-1985).

12) The United Nation and the advancement of women: 1945\_1996, op.cit.38.

13) Lucille Mair.

14) تاريخچه پنجاه ساله كميسيون مقام زن سازمان ملل متحد از 1947 تا 1997، ترجمه مركز امور مشاركت زنان‏رياست جمهورى، 1378، ص 6.

15) Cf.UN.DOC: Nairobi Forward- Looking startegies for the advancement of women,1985.

16) Leticia shahani

17) United Nation Action in the feild of Human Righrs, p. 204.

18) Ibid

19) آمار مواردى كه به علل گوناگون، گزارش نميشود، بسيار بيش‏تر از آمارى است كه به طور رسمى اعلام مى‏شود)؛ حسين آسايش، «جغرافياى فقر: سنجش رنج بشر در جهان»، فصلنامه تحقيقات جغرافيايى، سال سيزدهم، ش 1، (شمارش پياپى 48)، بهار 1377، ص 22.

20) حسين مهرپور، حقوق بشر در اسناد بين‏المللى و ...، ص 288.

21) Cf.UN.DOC:A/conf/2 Add.1, A/conf. 177/INF/2.

22) Gertrude Mongella.

23) Beijing Platfrom For Action

24) سند چهارمين كنفرانس زنان، پكن 1995، ص 201-216.

25) حسين مهرپور، حقوق بشر در اسناد بين المللى و...، ص 393.

26) همان، ص 315.

27) مجله زنان، شماره 49، سال هشتم، آذر ماه 77 ص 53.